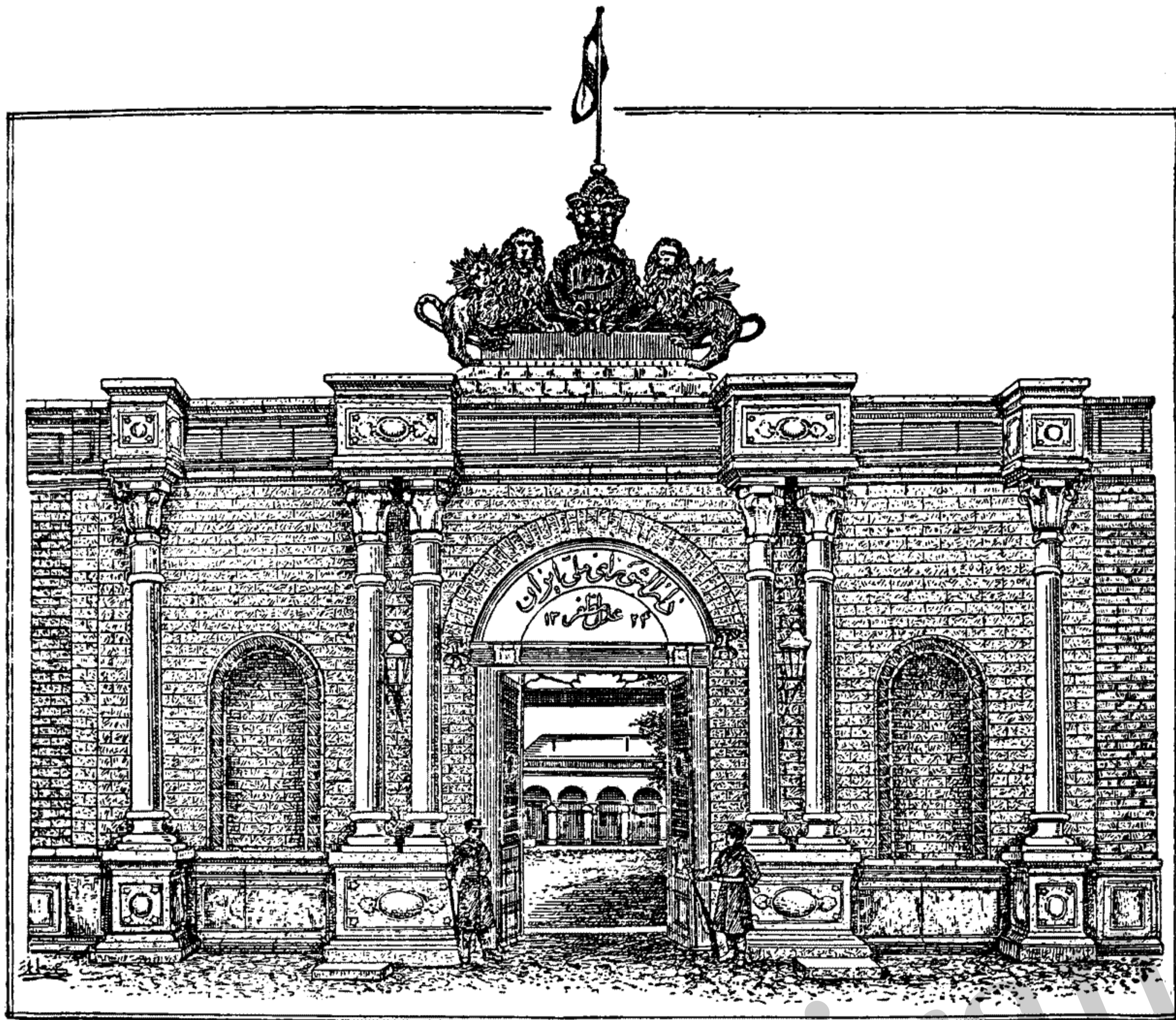


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۱ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# فهرست مندرجات



## مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۱ رجب المرجب ۱۳۴۶

### جلسه ۱۹۴

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر برپاست )  
 آقایان : روحی - جمشیدی مازندرانی - ذوالقدر -  
 حاج میرزا حبیب الله امین - اسفندیاری - دشتی - دادگر  
 فرمند - لبقوایی - عدل - میزا ابراهیم اشتیانی -  
 آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس يوم شنبه ۲۳ دیماه  
 را آقای نکهبان قرائت نمودند )

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور در لایحه تمدید اختیارات آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس کل مالیه و تصویب آن	۲۲۰۷	۲۲۰۸
۲	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع باسخدام متخصصین مالی	۲۲۰۹	۲۲۲۷
۳	قانون تمدید اختیارات آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس کل مالیه بمدت سه ماه	۲۲۲۷	

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: حاج علی اکبر امین - محمدولیخان اسدی -  
مرغزی قلیخان بیات - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام  
مافی - آقاعلی زارع - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا  
ملک - بنی سلیمان - میرزا حسن خان وثوق - حاج  
غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: ایلخان - آقا سید کاظم زدی - خطیبی -  
نجومی - بالیزی - دیوان بیکی - افخمی  
دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: شریعت زاده - قوام شیرازی - مهدوی -  
امیر تیمور کلالی - بحی خان زنکنه  
رئیس - آقای کلالی

امیر تیمور کلالی - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند  
در صورتیکه دیروز از اول جلسه حاضر بوده ام  
رئیس - لایحه اخبارات رئیس کل مالیه  
مطرح است در جلسه قبل بنا بود رأی گرفته شود به  
کفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند  
قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است پیشنهادها قرائت میشود  
(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم بجای تبصره کمیسیون نوشته شود

تبصره - دولت مجبور است قبل از انقضاء مدت فوق استخدام  
خزانه داری را تمام کرده مشغول کار شود و پس از اشتغال  
خزانه داری اختیارات رئیس مالیه ملغی خواهد بود  
مدرس - این تبصره که نوشته اند مثل آن وعده هائی  
است که ابتدا میدادند که ما اول متخصص میاوریم نظیر آن وعده ها  
است لهذا بنده تغییر عبارت دادم که وعده خالی نباشد حتما

ندارد پس این پیشنهاد باید بماند برای وقتی که آن لایحه  
مطرح میشود و آن وقت در آن قانون پیشنهاد میکنیم که  
دولت مکلف است در عرض سه ماه متخصصین را حاضر  
بکند و جایز اینجا نیست

رئیس - رای گرفته می شود به قابل توجه بودن

این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره ماده واحده بجای خزانه دار  
نوشته شود متخصص مالی

احتشام زاده - این پیشنهاد بنده مقصود تبصره  
است که در لایحه دولت بوده است ولی حالا با  
آن تبصره که آقای مدرس فرمودند و قابل توجه شد  
بنده استرداد میکنم مقصودم این است که اختیاراتی که  
در ضمن این لایحه نوشته شده است و از طرف دولت  
این اختیارات را برای خزانه دار قائل شده اند ممکن  
است در مجلس تغییر پیدا بکند و این اختیارات را  
متوجه به رئیس کل مالیه یا یک نفر دیگر بکنند به این  
جهت بنده معتقد هستم که نوشته شود متخصص مالی  
چون اگر این اختیارات به خزانه دار داده شود بازین  
کلمه شامل حال اوست و اگر به رئیس کل مالیه این  
اختیارات داده شود باز این عبارت شامل حال او هم  
هست این است که بنده پیشنهاد کردم که بجای خزانه  
دار نوشته شود متخصص مالی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هیچ ملتفت نشدم گویا آقای  
احتشام زاده (جسارت میکنم) لایحه را مطالعه نفرموده  
باشند آقا این مسئله راجع به خزانه دار است که در

عزل و نصب و ترقی و تنزل و جمع و خرج اختیاراتی  
دارد متخصص مالی مشاور علمی است و برای این است  
که در مسائل علمی به او رجوع شود ربطی به این  
چیزها ندارد و بنده ناچارم این لایحه را بدو خدمت  
شما نگاه کنید

رئیس - رأی میکنیم به این پیشنهاد آقایانیکه  
قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده واحده با پیشنهاد  
آقای مدرس قرائت میشود و رأی گرفته میشود  
(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی از تاریخ ششم دیماه  
تا سه ماه دیگر مدلول قانون ۲۵ مهرمیاه ۱۳۰۶ را  
که بموجب آن اختیارات مندرجه در قانون اسد ۱۳۰۱  
به آقای مهدیقلیخان هدایت رئیس الوزراء واگذار شده  
بود تمدید مینماید

تبصره - دولت مکلف است قبل از انقضاء مدت  
فوق استخدام خزانه داری را تمام کرده مشغول کار شود  
و پس از اشتغال خزانه داری اختیارات رئیس کل مالیه  
ملغی خواهد بود

رئیس - رأی میکنیم بماده واحده باتبصره آقایانیکه  
موافقت قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. بنا بود بعد از این لایحه  
متخصص مالی مطرح شود لیکن آقای دهستان پیشنهاد  
کرده اند لایحه خالصجات انتقالی مطرح شود. آقای  
دهستان.

دهستان - چون لایحه متخصص مالی را خود بنده  
هم مقدم میدانم از این جهت استدعا میکنم پیشنهاد  
بعد از این لایحه مطرح شود

رئیس - پیشنهاد آقای ثابت

(اینطور خوانده شد)

نظر باینکه بلدیہ مؤسسه ایست ملی و نمایندگان ذمه دار تأسیس و تشدید آن هستند از اینجهت اینجانب پیشنهاد مینماید که لایحه بلدیہ که از شور دوم آن چند ماده بیش باقی نمانده در درجه دوم دستور امروز قرار داده شود که اهالی شهرها با توجهات نمایندگان دارای مؤسسه ملی شده و آسوده شوند

رئیس - آقای نابت

نابت - بنده تصور می کنم تمام آقایانیکه از ولایات وکیل شده اند میدانند احتیاج اهالی را نسبت به بلدیہ بعلاوه این بلدیہ يك مؤسسه ایست ملی کسه تقویت مشروطه را می کند بنده منتظر بودم که آن لایحه رئیس کل مالیه تمام شود و در درجه دوم آن لایحه جزو دستور شود استدعا میکنم آقایان توجه فرمایند که این لایحه مطرح شود و این چند ماده تمام شود

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان ایلخان - بنده تصور میکنم که آقای نابت پیشنهاد کرده اند که در درجه اول جزو دستور شود اگر چنانچه مراقبت فرمایند که اول مسئله متخصص باشد بنده عرضی ندارم و موافقم ولی اگر چنانچه میفرمایند قبل از لایحه متخصص باشد بنده مخالفم در هر حال اگر چنانچه بعد از این لایحه باشد بنده هم قبول میکنم

رئیس - مقصود درجه دوم است ؟

نابت - بنده میخواستم در درجه اول یعنی قبل از لایحه راجع بر رئیس کل مالیه باشد چون دیدم آقایان موافقتی ندارند از این جهت پیشنهاد کردم در درجه دوم باشد و حالا استدعا میکنم مطرح شود

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه تصویب می کنند

قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو نسبت به ماده اول لایحه متخصصین مالی قابل توجه شد اجازه میفرمائید سایر پیشنهاد هم مراجعه شود بکمیسسیون (جمعی از نمایندگان صحیح است) ماده دوم مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - مجلس شورای ملی بدولت برای حقوق و مخارج سالیانه متخصصین مزبور تا میزان شصت هزار تومان اعتبار میدهد بعلاوه دولت مجاز است با منزل و اثاثیه مناسبی برای آنها تهیه یا معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و اثاثیه به آن ها بپردازد.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - با عطف بعرایض سابق باز نمایندگان محترم را توجه میدهم باینکه شصت هزار تومان دولت اعتبار خواسته است با مخارج منزل و سایر مخارج که اقلاروی هم رفته بصد هزار تومان میرسد این صد هزار تومان را وقتی میخواهیم تقسیم کنیم باین متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی که از اتباع آلمان است اقلاسی هزار تومان میرسد چون درجه او عالی تر است. این سی هزار تومان را ما میدهیم برای چه. برای آن اصلی که آقایان مسبقند و آنطوریکه بنده حس میکنم فقط برای این لقب (متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی) و بدلخوشی این لقب ماسی هزار تومان میدهیم و هیچ معلوم نیست که چه استفاده از وجود این شخص میکنیم معروف است که وقتی از قاضی قم شکایت کردند صاحب ابن عباد وزیر فخرالدوله او در حاشیه باصطلاح خودشان توشیح کرد و نوشت ایها القاضي بقم قد عزلناک بقم بحض اینکه قاضی این را دید گفت قد عزلتني سجعاً. این قافیه که درست آمده من را بدبخت کرده و الا من معزول نمیشدم حالا هم وقتی که ما ملاحظه میکنیم فقط میبینیم که يك لقب عالی مقام برای ما میباشد و سی هزار تومان در ازاء آن میدهیم و الا از

مذاکراتی که در اینجا شد و جوابهایی هم که داده شد بنده هیچ قانع نشدم که چو استفاده میکنیم و از این جهت است که بنده مخالفم مگر اینکه این قسمت را بردارند یا برای این متخصص يك قیودی قائل شوند که بتوانند از وجود این شخص استفاده کنند

مخبر - بطور کلی مملکت باید از يك چیزهای خوب استفاده کند اگر حقیقه ما نخواهیم استفاده کنیم خود آقای بامداد هم تصدیق خواهند فرمود که از يك متخصص عالی مقامی ما برای کارهای مالی و اقتصادی خودمان می توانیم بیش از سالی سی هزار تومان استفاده کنیم اگر هم نخواسته باشیم استفاده کنیم اسم و رسم و اقتدار و قوه و اختیارات هر چه اینجا تصویب کنیم بالاخره آن موفقیت حاصل نمیشود بالاخره ما و ایشان وامثال ماها بایستی يك وسائلی بدست بیاوریم که مملکت بتواند از يك چیزهای خوب استفاده کند. قدم اول این است و یکی از معایب را که غالباً در استخدام متخصصین متوجه میشد این بود که بدون قید يك صفاتی ما مستخدمین را استخدام میکردیم بعد معلوم میشد که این متخصص که ما میخواستیم که در يك امری از او استفاده کنیم نیست و با اساساً اطلاعی دارد بالاخره سوء استفاده می کردیم و نتیجه هم نمی گرفتیم و البته وقتی که بنا شد ما در سال يك مبلغ زیادی بیک شخصی بدهیم باید عالی مقام باشد و از همین دو کلمه متخصص عالی مقام ما باید استفاده کنیم و البته باید مفهوم خارجی داشته باشد و با مصداق خودش تطبیق شود و باید دارای این دو صفت باشد وقتي يك کسی بیايد که دارای این دو صفت نباشد شما هر قدر اختیارات باو بدهید از او استفاده نخواهید کرد بنده و رفقای بنده و شاید بکعدۀ دیگر هم دارای این عقیده باشند که ما اگر پول زیاد بدهیم و اشخاص عالی مقام بیاوریم بمنفعت مملکت تمام میشود الان این شخص که در اینجا هست بنده با بعضی از آقایان وزراء هم صحبت کرده ام که اگر این شخصی که فعلاً در

اینجا هست بهر قیمتی که تمام میشود ما اگر بتوانیم او را حاضر کنیم که در این مملکت بماند کاملاً بمنفع مملکت است در هر صورت بنده تصور میکنم عین منظور آقای بامداد در اینجا بعمل آمده باشد که ما باید از يك اشخاص عالی مقامی استفاده کنیم

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بارها عرض کرده ام که با استخدام خارجی تا این اندازه موافق نیستم هر چند يك کسی مرا ملامت میکرد و میگفت لازم است که ما بجهت تمام اداراتمان از خارجه متخصص بیاوریم بجهت این که يك مؤسسه رهنی درست کردیم يك رئیس که نمیدانیم کیست بالاخره هم بر ضرر این مؤسسه است و هم يك بد اخلاقیها در آنجا میشود. حالا بنده عرضم این است این اندازه عقیده به استخدام خارجی نداریم آن هم با این حقوقهای به آن گزافی وقتی هم که احتیاج داریم باید به اداره گنجایش خودمان بیاوریم در اینجا دو نفر متخصص اولاً کافی بود و بنده يك پیشنهادی در این زمینه داده و نمیدانم چه شده که خوانده نشده مقصودم این بود که بکنفرانس رئیس کل و بکنفرانسه دار برای ما بس است و سایرین را میتوانیم از خودمان تهیه کنیم بشرطی که مجازات در مملکت باشد. اگر قانون مجازات در مملکت ما اجرا شد ما ابتدا محتاج با استخدام خارجی نیستیم اگر نشد که به جاروب کشی و فرانی هم محتاج بخارجه هستیم. حالا در اینجا شصت هزار تومان حقوق نوشته شده است برای این چهار نفر متخصص و چهل هزار تومان هم بنده قطع دارم که مخارج خانه و اثاثیه و اتومبیل خواهد شد که میشود صد هزار تومان در مدت دو سال دو بیست

هزار تومان میشود حالا ما ببینیم از این دو بیست هزار تومان چه استفاده میکنیم. عایدات مملکت ما آن اندازه که مربوط بکمرک است که ربطی بآن ها ندارد و بدون زحمت داده میشود و آن اندازه که مربوط به نفت است که چندان اهدایی ندارد و در بعضی ترتیبات دیگر هم که محتاج نیستیم يك جزئی باقی میماند که آن هم تقریباً چهار پنج ملیون میشود و بجهت این چهار پنج ملیون محتاج میشویم. متخصص خارجی پس اگر هم ما نخواهیم متخصص بیآوریم. بایستی يك طوری باشد که مناسب باین چهار پنج ملیون باشد و بنده هیچوجه عقیده ندارم که همه روزه با این حقوقهای گراف متخصص بیآوریم.

رئیس -- (خطاب به آقای فیروز آبادی) پیشنهاد جناب عالی مفقود نشده جزء سایر پیشنهادات بکمیسیون فرستاده شده.

مخبر -- راجع به مجازات بالاخره عقیده آقای بسیار عقیده خوب است و بایستی قانون مجازات در این مملکت اجرا شود و از اشخاص خادم هم باید قدر شناسی کرد و این بهترین عقیده است که آقای دارند بنده هم کاملاً موافقم در هر موردی که صلاح میدانند پیشنهاد کنند طرح قانونی بدهند برای مجازات خائنین و قدر شناسی از خدمتین و قانون مجازات عمومی هم هست و لازمه است تذکر هم داده شود که دولت مواد آن را اجرا کند و اما راجع به حسابی که فرمودید لازم است تذکر بدهم که آقای قدری اشتباه کردید اگر عقیده آن این است که ما دو بیست هزار تومان خرج میکنیم عرض میکنم خیلی کمتر است زیرا حقوق اینها در سال شصت هزار تومان است و صدی پانزده شصت هزار تومان هم میشود نه هزار تومان و بالاخره بنده به آقای اطمینان میدهم که ابداً از این مبلغ تجاوز نخواهد کرد.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده موافقم

رئیس -- آقای بدر

میرزا احمد خان بدر -- عرض کنم که اشکال بنده در این ماده دوم است در این ماده مینویسد علاوه دولت مجاز است یا منزل و اثنایه مناسبی برای آنها تهیه و یا معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و اثنایه آنها بپردازد مستخدمین امریکائی که اینجا بودند برای آنها هم این قید بوده یعنی برای آنها هم تهیه اثنایه و منزل شده است اگر علاوه بر آنها چیزی لازم است که باید اسم برده شود و اگر عیناً همان است که همان اثنایه و منزل آنها را ممکن است به آنها بدهند و دیگر چیز تازه و جدیدی نباید برای اینها اضافه شود بالاخره اگر این صدی پانزده برای اثنایه است که يك اثنایه موجودی است و ممکن است باینها بدهند و این عبارت حذف شود.

وزیر مالیه -- علت ذکر این جمله در ماده برای این است که دولت بتواند از همین اثنایه و منزل هائی که هست باینها بدهد برای اینکه اگر ذکر نشود دولت این حق را نخواهد داشت و اینها باید از حقوق خودشان منزل و اثنایه تهیه کنند و در این صورت از همان اثنایه و منزل استفاده می کنند و این صدی پانزده که در اینجا نوشته شده است در صورتی است که آنها نخواهند یا دولت نتواند پس هر دو طرف این اختیار داده شده که اگر نخواهند صدی پانزده از حقوقشان بخواهند بدهند و تمام مخارج از حیث منزل و اثنایه و سوخت و روشنائی و اتومبیل و غیره با خودشان باشد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای احتشامزاده -- بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو عبارت (با منزل و اثنایه مناسبی برای آنها تهیه و یا) حذف شود

احتشامزاده -- با توضیحی که آقای وزیر مالیه در

اینخصوص دادند بنده صرف نظر میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای بهبهانی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم آخر ماده دوم بنحو ذیل اصلاح شود یا منزل مناسبی برای آنها تهیه و یا معادل صدی ده حقوق هر کدام برای تهیه منزل در تحت نظارت وزارت مالیه باینها اعتبار داده شود و اثنایه آنها را بقدر کفایت از اثنایه رئیس مالیه سابق و خزانه دار سابق بدهند

رئیس -- آقای بهبهانی

بهبهانی -- در شصت هزار تومان اعتبار چون اعتبار است نمیشود صحبت کرد و البته دولت مکلف است باینکه اهتمام کند که کمتر خرج شود ولی در قسمت اثنایه و منزل مینویسد دولت اثنایه و منزل مناسبی برای آنها تهیه کند و یا معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و اثنایه آنها بپردازد اینجا بنده تصور میکنم اولاً اثنایه داریم برای اینکه آن اشخاصی که بودند و رفتند یکی از جهات تنقیدیه که نسبت به آنها ابراز میشد این بود که میکفتند اثنایه و تجملات آنها خیلی زیاد است لهذا آن اثنایه که جائی رفته و در تحت اختیار دولت است و هر چه بخواهند از آن اثنایه میتوانند بدهند. تردیدی هم ندارد. اینکه آقای وزیر مالیه در جواب یکی از نمایندگان محترم فرمودند که این برای این است که اگر دولت بخواهد از این اثنایه بدهد بتواند من نمیدانم چطور میتواند بدهد؟ برای اینکه يك اثنایه بوده است و در تحت اختیار دولت هم هست و این مستخدمی هم که میآید اثنایه میخواهد و از همین اثنایه بهشان میدهند. پس این تردید را بنده در اینجا جایز نمیدانم از این جهت است که پیشنهاد کردم فقط برای منزل و کرایه منزل آنها ممکن است يك چیزی داده شود و چون منزلی که حضرات سابقاً داشتند کرایه بوده و يك اجازه فوق العاده یعنی مخارج فوق العاده زیادی داشته است ممکن است دولت برای اینها يك منزلی

یا کرایه کمتری تهیه کند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که صدی ده حقوق آنها اعتبار باشد که برای آنها منزل مناسبی تهیه شود این پیشنهاد بنده است و نظرم هم این است که دیگر محتاج به تردید نیست و از همان اسباب و اثنایه دارند باید بدهند.

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع -- آقا توجه بفرمایند که يك اثنایه که وزارت مالیه دارد بالاخره مال همه ملت است و خود وزارتخانه بدون اجازه مجلس نمیتواند انتقالش بدهد و اینکه در لایحه نوشته اند معنایش این نیست که اثنایه بخرند بلکه مقصود این است که اثنایه هر چه لازم است و دارند بدهند و اگر يك صندلی هم نداشته باشد آن را با اجازه مجلس شورای ملی برون بخرند در قسمت منزل هم همانطور مثل سابقین اگر تاجا دارند میدهند و اگر ندارند بر ایشان اجاره میکنند و اینها می آیند مشغول خدمت میشوند و مقصود دولت از پیشنهاد به مجلس شورای ملی برای استیذان و استجازه است که اجازه بگیرد برای آنها اثنایه تهیه کند و البته هر چه دارد بهشان میدهد و هر چه هم ندارد تهیه میکند و بنده هم تصور میکنم که دولت محتاج نشود به اینکه اثنایه جدیدی بخرد و همان هائی که از سابق دارد کافی خواهد بود

وزیر مالیه -- اجازه میفرمائید؟ بنده يك توضیحی عرض کنم تا اینکه رفع اشتباه بکلی از آقا بشود اینجا نوشته است: دولت مجاز است یا منزل و اثنایه مناسبی برای آنها تهیه و یا معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و اثنایه بپردازد حالا اگر دولت نخواست منزل بدهد و صلاح اینطور شد که مبل خودش را ندهد که خراب کنند. خودش هم که خانه ندارد باید کرایه بکند الان ما ماهی چهار صد تومان کرایه باغ مخبر الدوله را میدهیم در اینصورت اجازه میدهند که اگر دولت صلاح ندید که خانه بدهد و اینطور مقتضی دید که پول بدهد آنوقت صد پانزده

حقوقش را بهش میدهند این دیگر جمع نمیشود باهم که هم اثنبه هم صد بازده حقوق را بدهد اینطور که نیست اگر چنانچه نباشد خانه و اثنبه خودمان بدهیم البته از خانها و اثنبه هائی که تهیه کرده ایم میدهم و البته اثنبه هم يك چیزی نیست که ابدی باشد. خراب میشود. میشکند، تعمیر میخواهد و باید تجدید کرد، غرض این است که اثنبه زندگان آنها را مطابق این ماده آنچه داریم میدهم و هرچه هم کسر داریم میخریم و میدهم این اشکال ندارد.

رئیس -- رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. آقای فیروز آبادی پیشنهادجناب عالی دبر رسید ماده سوم

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده سوم -- وظیفه متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی بقرار ذیل خواهد بود:

- ۱ - مطالعه در اوضاع مالی و اقتصادی و تهیه راپرت های جامع راجع باین کلیات
- ۲ - تهیه پیشنهادات برای ایجاد منابع عایدات تازه و اصلاح اصول قوانین مالی
- ۳ - تهیه پیشنهادات برای اصلاح ترتیب ادارات مالیه و تقطیس مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی
- ۴ - انجام هر خدمتی که مربوط بصلاحت مشار الیه و از طرف دولت بمشار الیه ارجاع میشود

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- منفعت وجودی متخصص عالی مقام در این

بنده تصدیق میکنم اما اگر این شخص آمد و روی کلیات يك پیشنهاداتی کرد ولی رفت نوبی کشوی میز ماند یا اینکه راجع باین قسمت برای ایجاد منابع عایدات تازه و اصلاح اصول قوانین مالی پیشنهاداتی کرد و کس عمل نکرد تکلیف چیست؟ در ماده پنج میگوید مکلف است راپورت بدهد حالا آقای وزیر مالیه يك اصلاحی در نظر دارند که آن وقت در هیئت وزراء مطرح میشود بنده آنجا عرایض را میکنم که این قسمت وافی بمقصود نیست این شخص آمد يك پیشنهاداتی کرد که حقیقتاً بنفع ایران بود و برای اصلاح امور اقتصادی و وضع قوانین هم خیلی مفید بود ولی عمل نکردیم بنده خودم آقایان نقشه منابع تحت الارضی ایران را دیده ام که معادن تحت الارضی ایران با همان رنگ معدن خودش رنگ آمیزی و چاپ شده است و الان هم هست و بنده میدانم کجا است. البته اولیای امور هم آنها را دیده اند ولی تمام اولیاء امور نه اختصاص بخاضرن داشته باشد عمل نکرده اند. ما باید کاری کنیم که عملی بشود نه اینکه نمایش حرف بزنیم و هی پول از خزانه این مملکت فقیر خرج کنیم. باید عمل بشود و الا این کلیات براحادی مشتبیه نیست. اینهم آمد و يك پیشنهاداتی کرد ولی بخرج نرفت. کسی قبول نکرد. تکلیف چیست پول از جیب ما بیرون رفته این مخارج را هم کرده ایم از آن بالا تر اظهار احتیاج عامی هم کرده ایم استفاده هم کرده ایم. (سوم تهیه پیشنهادات برای اصلاح ترتیب ادارات مالیه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی) این آرزوی بنده است. بسیار خوب ولی بر ما بخورد به تشکیلات. آمدم گفت اینطور باید تقلیل کرد. یا برای حسن جریان کارها باید این ترتیب رفتار کرد و ما میتوانیم با این پول تمام این کارهای بزرگ را بکنیم ولی نخواهند تکلیف چیست؟ زیرا مخصوصاً این قسمت بر ما بخورد بمنافع اشخاص مثلاً تقلیل بودجه میشود بر ما بخورد بمنافع اشخاص. این دیگر بکسی از آن چیزهایی است

که باید برود در کشوی میز - چهارم (انجام هر خدمتی که مربوط بصلاحت مشار الیه و از طرف دولت بمشار الیه ارجاع میشود) است. برای اصلاح امور اقتصادی و آن قسمت ها که پیشنهاداتی میدهند معنایش همین است دیگر انجام هر خدمتی که مربوط بصلاحت مشار الیه باشد یعنی هرچه میداند بنویسد و پیشنهاد کند. ما باید يك فکری کنیم که نفع ببریم ما که پول میدهم و بالا تر از پول دادن عرض احتیاج میکنیم که ما نمیدانیم تو بیا بکن آخر ما تا کی باید با جهل خودمان و عرض احتیاج کمترت داشته باشیم؟

آخر يك روزی باید تمام شود و خاتمه پیدا کند. همه روزه این طرز متخصص آوردن هست و بالاخره باز این جا اظهار دلنگی میشود. در خارج هم اظهار دلنگی میکنیم که چه کنیم باز باید مستشار بیاوریم. يك عملی بکنید يك اقدامی بکنید که از موجود استفاده کنیم که اقلاً برای آینده بی نیاز باشیم. بنده هیچ این چیزها را مفید نمیدانم و يك سیاهی است روی کاغذ سفید

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضارفعی -- یکی دو جلسه است آقای بامداد در ضمن مخالفت با لایحه اظهار میدارند کتبی تدوین شده است نقشه هائی کشیده است، بنده میخواهم ایشان را متذکر بسازم که این کتب در اغلب ممالک دنیا هم هست در دنیا کتب آنها دارند، قرائت آنها دارند ولی با وجود این يك متخصص مالی هم دارند. آن کاری که آدم خودش میتواند بکند کتاب نمیتواند. کتاب را این جا به چپند آ آن بالا بزرگ کسی را میخواهد که بیاید آنها را بخواند و عمل کند ولی بالاخره يك آدمی هم پیدا می شود که کتاب بخواند يك کارهائی میکند که تمام دنیا را مات میکند ما متخصص میخواهیم البته معلومات اغلب آقایان بیشتر از کتاب است و فصحا و بلغاء و همه طور اهل فن هستند اما متخصص مالی نداریم. آن کتب

هارا هم بخواهیم باز متخصص مالی نمیتوانیم پیدا کنیم چه کنیم؟ اشاره به نقشه فرمودند که نقشه دیده اند که خیلی در آن راجع بمعادن ایران خوب کار کرده اند بنده عقیده ام این است که اگر لازم میدانند ممکن است پیشنهاد کنند که در این لایحه اضافه شود که یکی از وظائف متخصص هم نقشه کشی است عرض میکنم که مملکت ما یک مملکتی است که تمام منابع ثروت او در زیر خاک پنهان است یک مالیات هزارساله کوفتی هم دارد که همه مان میخواهیم یک کاری کنیم این مالیات را ملغی کنیم با این مالیات و با این عایداتی نمیتوانیم زندگانی کنیم. بودجه بدست و پنج میلیون ببرد ما نمیخورد. ما میخواهیم مردم متمول باشند و یک بودجه صد میلیونی پیدا کنیم. بالاخره ما چکار کنیم ما بعلقمان رسید که بزود مذاکره کنیم و یک متخصص مالی از خارج بیاوریم. ما هم گفتیم از کجا بیاوریم بهتر است گفتند از آلمان. لایحه تنظیم کرده ایم و آورده ایم به مجلس ممکن است حضرت عالی آن فکر مثبت نان را فرمائید که ما بینیم چه باید کرد؟ بنده میخواهم پول برای مملکت و وطن پیدا شود و خرج کنیم. باید یک فکر را شما فرمائید که عملی شود. ممکن است نظر آقا بهتر باشد ما هم موافقت کنیم. ما میخواهیم بمقصد برسیم ما که بانظر آقا مخالفتی نداریم شما هم اهل ایرانید ما هم اهل ایران هر دو نماینده و هر دو موکل داریم و میخواهیم برای مردم یک کارهایی بکنیم بعقل ناقص ما اینطور رسید بعقل کامل آقا چه میرسد فرمائید ما هم قبول میکنیم و کان میکنم مذاکرات زیادی در این خصوص پیش از این لازم نباشد و آقا هم فرمایش دیگری فرمودند که بنده جواب عرض کنم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده گرچه در موقع شور در کلیات نظریات خودم را عرض کرده ام ولی نظر باینکه در آن موقع مناسب نبود که جزئیات نظر را عرض کنم موکل کردم باینکه در موقع طرح این ماده عرض کنم. بعقیده بنده

و موافق صلاح مملکت ندانست قضیه را ارجاع کنند به هیئت وزراء که در یک جای وسیع تری نسبت به نظریات او مطالعه شود و حکمیت قطعی بکنند ولی در بعضی از امور و وظائف بنده معتقدم اگر این مستشار یک اختیارات زیاد تری نداشته باشد وجودش بی فایده خواهد بود در آن منظور اصلی که از استخدام متخصص مالی داریم که عبارت از اصلاح مالیه مملکت بشد انجام نخواهد شد و آن چهار مسئله مهم است یکی پرسنل مالیه است که عبارت از عزل و نصب و ترقی و تنزل اعضاء باشد و البته در حدود قوانین بایستی بآن متخصص عالیه مقیم که نظر بنده بایستی رئیس کل مالیه اسمش را گذاشت این اختیارات را داد

عمادی - خزانه دار دارد

احتشامزاده - بنده مخالف هستم که این اختیارات را بخزانه دار بدهند عقیده بنده این است که این اختیارات را باید بدهند به رئیس کل مالیه که ریاست دارد به تمام ادارات مالیه ..

عمادی - متخصص برای امور مالی است

احتشامزاده - اجازه فرمائید بنده عرض راعرض کنم و مخصوصاً استدعا میکنم آقای سید یعقوب هم توجه فرمایند و عرایض بنده را بشنوند که بعد نسبت به اطلاعی بدهند. بعقیده بنده در امور پرسنلی باین مستشاری که در رأس وزارت مالیه خواهد بود و ریاست کل مالیه را خواهد داشت باید این اختیارات را بدهیم نه بیک نفر خزانه داری که در یک قسمت از امور مالیه ریاست دارد یک قسمت دیگر که بعقیده بنده باید اختیار بدهیم به رئیس کل مالیه یا متخصص مالیه مسئله جمع آوری عوائد و وصول مالیاتهای مملکتی و نظارت در آنها و یکی هم مراقبت کامل در تفتیش کلیه امور وزارت مالیه است بنده معتقدم که اگر چنانچه این اختیار را به رئیس کل مالیه یا یک متخصص دیگری که برای اصلاح امور مالیه مان میاوریم ندهیم

شاید آن منظوری که داریم و عبارت از اصلاح اوضاع مالیه مان است بعمل نیامده بنده میدانم که اختیارات را برای خزانه داری قائل شده اند ولی بنده معتقدم این اختیارات را باید به رئیس کل مالیه و بیک نفری بدهند که در رأس وزارت مالیه است و احاطه بر تمام کارهای وزارت مالیه دارد. بخزانه دار اگر این اختیارات را بدهند البته در یک قسمتهائی که مربوط باو میشود این اختیار هست ولی در سایر قسمتهای مالیه معلوم نیست چه میشود؟ بنده چون منفی ناف نیستم و همیشه بر طبق نظریات که دارم مخالفت میکنم این است که همیشه پیشنهادات خودم را هم بلافاصله تقدیم میکنم که آقایان بدانند منفی ناف نیستم و عقیده مثبت دارم و در هر موضوعی هم که نظری دارم عرض میکنم و پیشنهاد میدهم.

مخبر - عرض کنم این موضوعی که مکرر هم از طرف ایشان و هم سایر آقایان اظهار شد یک موضوع نظری است یک عده عقیده دارند که به آن متخصص مالی یعنی آن کسیکه تهیه پیشنهادات و پروژه هائی برای اصلاح امور مالی و اقتصادی میکنند یک اختیارات هم برای اجرای آن پیشنهادات داده شود یعنی وظایفی که برای آن شخص معین شده خودش هم مجری آنها باشد و در عین حال نظارت در جریان امور روزانه مالیه مملکت هم داشته باشد و البته یک دلائلی هم هست در اینکه کسی میتواند از فکر خودش استفاده کند که اختیار اجرای آن بدست خودش است و این شاید تنها دلیل باشد برای آن اشخاصیکه دارای این عقیده هستند. در مقابل این نظر هم یک عقیده هست که میگویند اگر نباشد نظارت در امور روزانه مالیه مملکت و اجرای پیشنهاداتی که بعدها تهیه میشود و اصلاحات اداری و تشکیلات جدید و بالاخره تهیه قوانین و پروژه های تازه اینها همه برعهده یک شخص باشد اجرای این فکر غیر عملی است. در تجربه هم یک قدری این قضیه روشن شده است ما البته نمیخواهیم بگوئیم که مستشارها یعنی مستخدمین امریکائی

نمی خواستند برای ما کار کنند ولی روی هم رفته موقوفی که تمام اختیارات را دادیم بیک نفر که هم در کمیسیونها حاضر ناشدم خودش بنشینند یک چیزهای تازه بنویسد و هم مراقب کارهای روزانه مملکت باشد یک نتیجه از او حاصل شد که همه ما فریادمان بلند شد و آن جریان بطور کار بود که ما داد میزدیم که چرا جریان مالیه ما بطی است ولی کاملاً بفلسفه او پی نبرده بودیم ما تمام اختیارات را داده بودیم بیک نفر که تمام این چیزها را او امضا کند و این عملی میشود که بکنفرتواند تمام امور اقتصادی یک مملکت را باضافه تهیه قوانین و پیشنهادات و غیره تهیه کند نتیجه این شده بود که امور مالیه ما اینطور بطی شده بود که بکنفر بعد از هشت ماه جواب کاغذش داده میشد حالا اینجا آمده اند تفکیک کرده اند بکنفر اختیارات را داده اند بکنفر گفته اند شما فقط همانطوری که بطور بدبینی هم شاید اینجا اظهار میشود ولی خود بنده بان شخصی که باو بد بین بودند خوش بین هستم میخواهیم که یک شخصی مثل مسیو برن برای مالیه داشته باشیم بالاخره یک قوانینی مسیو برن برای ما گذاشته است و رفته است ریشه قوانین عدلیه ما یک قسمتش از اوست این شخص هم باید برای ما پروژه بنویسد بنا راههای جدید اقتصادی نشان دهد. ما حالا خودمان بخواهیم استفاده کنیم این عیب را باید از خودمان رفع کنیم بعقیده بنده یکی از کارهایی که ما باید بکنیم (و فعلاً معکوسش را گرفته ایم) این است که عیب را از خودمان رفع کنیم و یک عیب دیگر ایجاد نکنیم که دیگری را بر خودمان تسلط بدهیم ما یک شخصی را میخواهیم بیاوریم که فقط قانون بنویسد برای ما و پروژه های کامل برای ما تهیه کند و در حدود این کار یک استفاده هایی از او بشود و آن اختیاراتی که آقای احتشامزاده معتقدند در تحت عنوان رئیس کل مالیه داده شود آن اختیارات را در تحت کلمه خزانه داری میدهیم ما البته دعوی لفظی نداریم.

چه بگوئیم خزانه دار. چه بگوئیم رئیس کل مالیه. مقصود دادن اختیارات و اجرای يك نظریات است و اگر چنانچه آنها را کم میدانند ایشان البته همانطور که فرمودند پیشنهاد میفرمایند و در موقعش مذاکره میشود و اگر قابل قبول بود قبول میشود. در هر صورت دعوی لفظی نداریم که کلمه رئیس کل مالیه باشد یا خزانه دار. اینجا مطالب تقسیم شده است. نوشتن قوانین و پروژه ها بکنفر داده شده است و اختیار اجرای امور روزانه مالیه هم بکنفر و گمان میکنم عملی تر و بهتر باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها میفرمائید بعد از تنفس قرائت شود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای احتشامزاده

(شرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بآخر فقره ۲ ماده ۳ اضافه شود و اصلاح تشکیلات ادارات و دوائر مالیه مطابق مقتضیات و احتیاجات مملکتی.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - یکی از مسائل مهمی که فوق العاده موجب زحمت مردم و اسباب تفریط مالیه دولت است مسئله ازدیاد تشکیلات مالیه ایران است و البته یکی از اصلاحاتی که باید بشود این است که سعی کنند تشکیلات را سهل و ساده و مطابق احتیاجات مملکتی ما تهیه کنند که اسباب رفاه و آسایش مردم باشد و در ضمن حتی المقدور در تقلیل مخارج اداری هم تأثیر کند همه آقایان این مسئله را مشاهده فرموده اند و میدانند که چقدر تأخیر کار در وزارت مالیه اسباب زحمت مردم

است یکی از مسائلی که بنده خیال میکنم به آن متخصص مالی واگذار کنیم این است که او را مأمور کنیم یک پیشنهاداتی برای اصلاح تشکیلات وزارت مالیه ما بکند چون بنده خواستم این مسائل عملی شود این پیشنهاد را تقدیم که او خودش را ملزم بداند و دولت هم این کار را یکی از وظایف او بداند و استفاده از نظریات او بکند.

وزیر مالیه - ممکن است مقرر بفرمائید یک مرتبه دیگر این پیشنهاد را بخوانند

(پیشنهاد آقای احتشامزاده مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در قسمت سوم نوشته شده است تهیه پیشنهادات برای ترتیب ادارات مالیه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی و بنده نمیدانم ازین کلمات چطور میشود گفت که این نظر را تأمین نمیکند گمان میکنم خود آقای احتشامزاده حالا نگاه کردند دیدند که محتاج نیست

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده قابل قیام قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقایان امامی و ثابت.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده ماده ۳ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۳ - متخصص مزبور تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و مراعات اصل مسؤلیت وزراء کلیه امور مالیه ایران را عهده خواهد داشت مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار نام خواهد داشت که بودجه را تهیه کرده تشکیلات وزارت مالیه جمع و محاسبه و پرداخت و وجوه عمومی مربوط است

اصلاح نماید دولت ایران قبل از اینکه راجع بکلیه مسائل مالیه ایران اقدام و تصمیم بکنند یا متخصص مزبور مشورت خواهد کرد و در هر مجلس یا کمیسیون که مربوط باداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود مشار الیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع بامور مالیه تشکیل گردد بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت در باب امتیازات تجاری و صنعتی متخصص مزبور طرف شور بوده میتواند عقاید خود را کتباً یا شفاهاً بدو اظهار نماید. جواد امامی ثابت

رئیس - آقای امامی

امامی - چون آقای منشی یک قدری عجله داشتند این بود که پیشنهاد را آن طوری که لازم بود قرائت فرمودند این است که برای استحضار آقایان ثانیاً خودم قرائت میکنم بعد توضیح میدهم: متخصص مزبور تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و مراعات اصل مسؤلیت وزراء کلیه امور مالیه ایران را عهده خواهد داشت مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار نام خواهد داشت که بودجه را تهیه کرده تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً یا جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است اصلاح نماید دولت ایران قبل از آنکه راجع بکلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بکنند یا متخصص مزبور مشورت خواهد کرد و در هر مجلس یا کمیسیون که مربوط باداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود مشار الیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع بامور مالیه تشکیل گردد بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت در باب امتیازات تجاری و صنعتی متخصص مزبور طرف شور بوده میتواند عقاید خود را کتباً یا شفاهاً بدو اظهار نماید عرض کنم اولاً برای استحضار خاطر آقای رفیع عرض



میکنم که بنده و تمام رفقای بنده و سایر نمایندگان محترم همه متفق هستند بر اینکه مادی که مارشد اخلاقی پیدا نکرده ایم باید در راس مالیه ما یک نفر خارجی قرار بگیرد.

افسر - رشد اخلاقی داریم. عقیده خودتان را بگوئید

(همه‌مۀ نمایندگان)

امامی - اگر رشد اخلاقی آن اندازه که لازم است داشتیم محتاج مستشار خارجی نبودیم منتها تفاوتی که بین عقیده آقای رفیع و رفقای ایشان و بنده و رفقای بنده هست این است که مستشاری که ما می‌آوریم برای مالیه دارای يك اختيارت بوده باشد که حقیقه بتواند برای مملکت کار کند و امور مالیات ما را کلاً مرتب کند. با این کمترین که دولت مجلس آورده است بنده تصور می‌کنم که وجود این مستشارها بکلی زائد است برای اینکه بطوریکه در اینجا ذکر شده است فقط و فقط برای تهیه پروژه‌ها خواهند بود و دادن نظریات دیگر اختیارات در امور مالی و داشتن يك نظریاتی در خرج و دخل مملکت ابدأ نخواهند داشت. از قراری که آقایان مستحضرند و آقای رئیس الوزراء هم در جلسه گذشته خودشان يك اشاره فرمودند قبل از اینکه این لایحه را دولت مجلس تقدیم کند یک نفر متخصص مالی دکتر و بلهلم نام آلمان از برای مطالعه امور مالیه و اقتصادیات مملکت ایران با خرج خودش آمده است و بطوریکه بنده از اشخاصی که با ایشان ملاقات کرده‌اند و بحث و مذاکره کرده‌اند شنیده‌ام ایشان گفته‌اند مادی که شما بیک نفر آلمان که میخواهید استخدام بکنید اختیارات نام ندهید تصور می‌رود آن نتیجه که در نظر دارید بتوانید تأمین کنید این طبیعی است که واقعاً اگر ما بخوایم یک نفر متخصص عالم‌المقام که در این لایحه ذکر شده از برای مملکت استخدام کنیم با این وجه قلیل قطعاً برای این عملیات مقدور نخواهد بود باید یک نفر متخصص

حقیقه عالم‌المقام (نه در روی کاغذ عالم‌المقام) پیدا کنیم و برای مالیه مملکت استخدام کنیم تا بیاید در اینجا و بتواند امور مالیات را ما را مرتب کند بنده تصور می‌کنم و با این پیشنهاد و مادی که در اینجا ذکر شده است اساساً وجود این آدم زائد است و اگر بخواید از وجود این آدم حقیقه از برای مملکت يك منافعی عاید شود باید اختیارات او را بطوری که بنده عرض کردم يك قدری زیادتر بکنید

وزیر مالیه - مکرر میشود که آقایان نمایندگان بعضی‌ها که يك عقیده را دارند و اظهار میکنند مطلب یکی است و جوابهایی هم که گفته میشود یکی است در موقع و نوبت خودشان تکرار میکنند اصل موضوع و ریشه این است که میخواهید بفرمائید این اختیارات لازم است و در اینجا نیست اصل مطلب این است در صورتیکه يك قسمت از مطلب اینطور نیست و يك قسمتش این طور است و تماماً اینطور است و صلاح هم در این است که این طور باشد و غیره از اینش صلاح نیست و مضر است و نقض غرض دلائلش را هم مکرر آقایان نمایندگان و خود بنده در ضمن کلیات عرض کردیم که ما متخصص می‌آوریم و مستشار. لفظ مستشار هم که گفته میشود البته از نقطه نظر عادت باین اصلاح است و الا متخصص است ما متخصص که می‌آوریم آن مقصودی را که میخواهیم از فلان متخصص انجام کنیم راهش چه چیز است؟ مابك قسم متخصص میخواهیم برای اینکه امور اداری مالیه ما را از حیث اصول عایدات و مأمورین وصول و دفاتر و اوراق مربوطه بعرض حال از طرف دیگر پرداخت مخارج و دفاتر و دوائر مربوطه باین کار را برای ما اداره کنند و مرکز عایدات مملکت هم که خزانه است او را هم مطابق قوانین و نظامات مملکتی اداره کند و اختیار تمرکز دادن و حفظ عوائد عمومی را هم مطابق قانون داشته باشد. برای این مقصود يك خزانه داری با اختیارانی که ما اینجا باو داده‌ایم استخدام میکنیم. اگر آقایان این

مواد را دقت کنند خواهند دید کلاً وافی است و هیچ چیز دیگر هم لازم ندارد. يك اختلافی هست اینجا و آن این است که یکی از آقایان گفتند شما باین آدم نظارت در خرج را نداده‌اید بنده عرض کردم بموجب ماده ۸ ما این نظارت را داده‌ایم حالا آقایان تصور میکنند این ماده هشت وافی نیست؟ در اصل مطلب که اختلافی نیست سر ماده هشت که رسیدیم يك پیشنهادی بفرمائید این نظارت را آن طوری که شما می‌خواهید پیشنهاد بفرمائید ما هم قبول میکنیم عرض میکنم چرا وقت خودمان را تلف کنیم در سر نزاع لفظی و نزاع لغوی کنیم؟ اگر نزاع در معنی هست بحث کنیم. اگر نزاع نیست حل کنیم قضا بدار. با لفظ خزانه دار بعضی از آقایان بد هستند میگویند این لفظ خزانه دار نباشد می‌گویند رئیس کل مالیه باشد نسبت به لغت رئیس کل مالیه هم سابقه خوبی شاید بعضی نظر بآن قوانین ندارند اسمش را گذارده‌اند خزانه دار. حالا باید برای این کار تمام وقت خود را تلف کنیم؟ خیر باید بپردازیم بحقیقت ما از خزانه دار و از متخصص چه میخواهیم؟ میخواهیم عوائد مملکتی ما هر چه هست بدست آید و بدست مأمورینی که در تحت کنترل و نظارت او هستند و ما حتی عزل و نصب اینها را هم اختیارش را باو داده‌ایم و این بزرگترین اختیاری است که میشود بيك متخصص داد و شاید یکی از آن اختیارات است که شاید صلاح نیست بخارجی داد ولی ما از نقطه نظر این که احتیاج داریم که این اداره ما مرتب بشود آمده‌ایم این کار را کرده‌ایم. این اختیار را هم داده‌ایم. ولی البته با يك اصلاحاتی که در قانون سابق آن اصلاحات نبود و بيك ضررهای مهم مملکتی بر خورد این اختیار را دادیم که عایدات را تمرکز بدهد خرج را بایستی مطابق تصویب مجلس بکند و مطابق همان ماده قانون حق دارد اگر يك خرجی تطبیق نمیکند با مصوبات امضاء نکند هر کس هم میخواهد امضا کند در مخارج هم بعد

از تصویب که چه نحو خرج میشود نظارت کند. در این قسمت آقایان میگویند ماده ما وافی نیست؟ پیشنهاد بفرمائید توضیح بفرمائید بنده قبول میکنم. در معنی و حقیقت با هم موافقیم. آمدیم سر آن بيك متخصص. این را هم بنده و هم بخیر محترم کمیسیون گفتند و هم بعضی دیگر اظهار کردند. اساساً ما معتقدیم باین که آن متخصص دیگر آن متخصصی که می‌آوریم برای اینکه از علم و اطلاع او استفاده کنیم برای اصلاحات مالی و اقتصادی و قوانین (و منحصر بمالیه نیست) بیشتر استفاده که از او می‌خواهیم بکنیم در رشته‌های اقتصادی مملکت است. مسائل فنی مربوط با ادارات فوائد عامه مهمتر است تا نقطه نظر استفاده از مسائل خاص وزارت مالیه این آدم اصلاح خودش و صلاح ما و صلاح آن مقصودی که ما تعقیب میکنیم این نیست که او را داخل در امور جاری بکنیم و بيك مسؤلیت‌های کاری و عملی باو بدهیم. آقا بتجربه ثابت شده است که نمیتواند برسد. نمیتواند مطالعات بکند. وقت فراغ ندارد. همیشه گرفتار زد و خورد و کشمکش با قوه مجریه و مأمورین اجرائیه شما میشود. همیشه طرف تقاضا و توقع و ملاقات تاجر و غیر تاجر و عمر و زید میشود. هر کس بيك کاری دارد میخواهد او را ببیند. اگر راه ندهد فردا هوش میکنند اگر راه بدهد تمام وقتش را باید بگذارد روی این مذاکرات و نمیشود. این آدم را شما باید از جریان مسؤلیت و از جریان اداری فرغش بگذارید بنشانیدش آنجا و بعد وسائل بهش بدهید که با خارج بودن از این مرحله او بتواند از مسائل مطم باشد. جریان امور را بداند. البته بيك کسی را که شما میخواهید بیاورید اینجا برای اصلاح ادارات مالی که بيك طرح عملی بنویسد بنده تصدیق میکنم همه هم تصدیق دارند که این آدم تا از نزدیک نبیند که ادارات مالی ما چه جور جریان دارد و چه جور مهم می‌افتد و چه جور از گول هم در می‌رود نمیتواند فکر اصلاحات

بکنند. این مسلم است اما میخواهیم ببینیم آیا مانعی هست؟ آیا میشود این وسائل را فراهم کرد که این آدم این اطلاعات را آن طوری که دلش میخواهد تحصیل کند بدون اینکه مسؤلیت اداری داشته باشد؟ میشود این کار را کرد بهتر هم میشود. آقای امامی در ضمن صحبتی که فرمودند اسمی هم از متخصصی که باینجا آمده بودند. بنده اگرچه میل ندارم در اینجا از یک اشخاصی که مربوط بیک کار هائی نیستند صحبت کنم ولی چون فرمودند مجبورم اظهار کنم که این کسی که این را نقل کرده گمان میکنم اشتباه کرده یا سوء تفاهمی کرده برای اینکه بنده مکرر خودم برای این کار با او صحبت کرده‌ام و اساساً این تناسب و این اصل را که ایجاد کردیم که این آدم را میخواهیم آزاد بگذاریم این از عقاید او است و کاملاً تأیید میکند این نظر را فقط چیزی را که او عقیده دارد و با خود بنده حرف زده و بنده مکرر با او محشورم و هر روز او را ملاقات میکنم حرف میزنم با او آن کسی که میخواهد این کارها را بکنند آن وسائل تحقیق و اطلاع را باید برایش فراهم کرد البته همین است و حتی آنروز خود بنده عرض کردم که خود بنده يك اصلاحات بین مواد پیشنهاد کرده‌ام و حاضر کرده‌ام که در موقعی که می‌رسیم بآن مواد تقدیم میکنم که ضمیمه شود بنام لایحه. این از کجا است؟ در نتیجه مذاکراتی بوده که با او کرده‌ام ما خودمان علاقه‌مند هستیم آقایان میفرمایند استفاده نمیدهد روزی میدهد این و بنده يك دفعه دیگر هم عرض کردم. این را اساساً ما نمایستی انتظار داشته باشیم که اصلاح ما و اجرای اصلاح ما را يك خارجی برای ما بکند. شش هزار گونه اختیار بدهید. اگر ما نخواهیم قبول اصلاح بکنیم هر اختیاری داشته باشد نمیتواند خارجی برای ما اصلاح کند. ما باید خودمان را چیز بکنیم. بنده تصدیق میکنم که ما اطلاعات و علم نداریم و محتجیم باینکه متخصص بیاوریم که راه‌شان ما بدهد ولی هیچ معتقد نیستیم

و آقایان هم تصدیق ندارند که ما برای خودمان قیام درست کنیم برای اینکه این عملیات و آن اختیارات باید يك طوری باشد که نتیجه بدهد آقایان گفتند نقشه معاونت خیلی خوب تهیه شده. ممکن است، بنده که یکی از اولیای امور هستم همچو نقشه را ندیده باشم ولی البته آقایان بامداد فرمودند دیگران دیده‌اند شاید هم دیده باشند. خوب نقشه که روی کاغذ آمد معدن در میآید؟ یا این که ما الان چند تا متخصص خوب داریم رفته‌اند معدن را دیده‌اند و تشخیص هم داده‌اند. معدن در آمده؟ معدن که در نیامده اینها مقدمه است برای يك کارهای دیگری. آن کارها بکجا می‌خورند؟ بر می‌خورند سیاست مملکت با احتیاجات مملکت، بیک نظریات دیگری که در آن نظریات هیچکس غیر از دولت مسؤل و مجلس شورای ملی حق مداخله نباید داشته باشند، آنوقت شما تمام این اختیارات را میتوانی بدهید بدست بکنفر که برود این کارها را بکنند؟ خیر. پس در حقیقت تا وقتی که همه ما از مجلس و دولت خود مان نکرده‌ایم و اصلاح نباشیم، خود مان نکرده‌ایم و این افکار و اطلاعاتی را که خودمان نداریم از آن متخصص پیدا نکنیم و بعد خودمان دنبال او را بگیریم هیچ نتیجه نخواهیم گرفت. پس بگذارید باینطوری که این لایحه تنظیم شده پیش برود: بنده قطع دارم که در نتیجه خواهید دید که در این تجربه از آن تجربه که آن دفعه کردید و پنجسال آن تجربه را کاملاً کردید و بالاخره در نتیجه پنجسال دیدید که يك لایحه مالیاتی جدیدی بیشتر ندارید بیشتر استفاده کنید.

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم در ذکر مقدمه فرمودند ایرانی رشد اخلاقی ندارد گمان میکنم سهو کردند برای اینکه ایرانی رشد اخلاقی دارد. ممکن است نظر شخصی آقایان باشد ولی همه آقایان و کلاً مجلس شورای ملی میدانند که ایرانی رشد اخلاقی دارد و بعد از آنکه تربیت

یافت. مذهب اسلام بفضل رب العالمین شاید اخلاقاً از تمام ملل بالاتر رفت. آقا باید متذکر باشند که ما متخصص میخواهیم که بیاید اینجا برای ما کار کند مالیه را میخواهیم اصلاح کنیم متخصص میخواهیم ولی این را باید دانست که ما قیام نمیخواهیم مجلس شورای ملی ممکن نیست که زیر این بار برود که يك اختیاراتی را که باید بداخلی بدهد بخارجی بدهد ابتدا ممکن نیست بالاخره باسستی متخصص بیاوریم که آدسهای خودمان باشند همان طوری که در زمان سلطان محمود خواجه نظام الملک را آوردند و تمام اسباب راحت را برایش فراهم کردند همینطور ما هم باید این متخصص را بیاوریم که در اینجا بنشیند و فکر کند که ببیند برای ما چه کاری مقتضی است بکنند که نافع باشد. ما می‌خواهیم از او استفاده ببریم ولی حاضر نیستیم برای خودمان قیام درست کنیم رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم جزو پنجم در وظائف متخصص اضافه شود:

۵ - نظارت و تقیث در کلیه مخارج مملکتی با رعایت قوانین موضوعه

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که يك صحبت هائی راجع برسد و عدم رشد در اینجا میشود، دولت ما الحمدلله يك دولت مستقلی است و وزراء مسؤل دارد و رشد اخلاقی دارد و همه ترتیباتش درست است، و دارای قوه و شمشیر است و دارای استقلال نام و همه چیز است (نماینده کان - صحیح است) منتها بنده اگر بپرسم

را بفرستم درس بخواند این دیگر چیز ندارد ما يك کسی را می‌خواهیم بیاوریم که تمدن و علوم اروپائی و بالاخره آن مراحل را که ما از دنیای متمدن دوریم بما بفهماند و این يك موضوع واضحی است و اینقدر حرف ندارد، اما در این موضوع که بنده پیشنهاد کرده‌ام با آقای وزیر مالیه هم صحبت کرده‌ام و ایشان البته يك نظریاتی دارند، دولت در این لایحه کاملاً دو چیز را در نظر گرفته یکی جهت علمی و یکی جهت عملی و این متخصص عالی مقام را از نقطه نظر استفاده علمی در نظر گرفته است و جهت عملی را بخزانة دار سپرده و موکول کرده است و بنده از نقطه نظر اینکه دیدم آقایان بامداد فوق‌العاده اصرار دارد که ما نباید به متخصص يك حقوق زیادی بدهیم و او بواسطه نداشتن اختیار کاری برای ما نکند و در واقع ما عشق نداریم که پول بدهیم از این جهت بنده خواستم يك قدری بابشان نزدیک شوم یعنی يك قدری هم قوه و قدرت با او بدهم که صرف نظر از آن وظائفی که دارد يك قدری هم قوه داشته باشد تا بتواند يك کارهای مفیدی بکند. حالا بنده این مسئله را بنظر خود آقای وزیر مالیه واگذار میکنم اگر با آن مقامی که در نظر دارند این پیشنهاد بنده ضرر میرساند استرداد میکنم ولی اگر ضرر نمیرساند و اگر يك مداخلاتی در جمع و خرج باو بدهیم نافع است و بجائی بر نمی‌خورد بنده استرداد نمیکنم

وزیر مالیه - همین طوری که نماینده محترم خودشان فرمودند باینده قبلاً صحبت کردند. بنده حاضر این اختیار داده شود ولی بخزانة دار. زیرا بطور کلی نظارت در جمع و خرج مملکتی به او واگذار شده ولی اگر بنا شود این قسمت به مستشار واگذار شود برای این که بتواند خوب نظارت کند باید نسبت به تمام کارها مسبوق و حق کنترل داشته باشد و بعقیده بنده بهتر این است که ما این قسمت نظارت را بگذاریم برای خزانة دار وقتی که بنده پنجم رسیدیم این پیشنهاد را با سایر پیشنهادات

وزیر مالیه - ممکن است مقرر فرمائید دو باره قرائت شود

(بشرح سابق خوانده شد)

وزیر مالیه - قسمت نظارتش به عقیده بنده با اصلی که اتخاذ شده متناقض است.

ولی اینکه فوائدها هم علاوه شود اشکالی ندارد و چون بطور کلی ما نوشته ایم شامل حال آنجا هم خواهد شد بعلاوه يك قسمتی است که در ضمن ماده پنج بعرض خواهد رسید. در آنجا مخصوصاً ذکر شده که این متخصص مالی نسبت بنام ادارات دولتی مخصوصاً فوائدها حق نظر خواهد داشت و هر قسم اطلاعاتی که نخواهد مکلف خواهند بود یا بدهند. و وزارت خانها و ادارات باید هر چه بخواهد برای او تهیه کنند بهر حال به عقیده بنده بهترین است که آن قسمت نظارت را بداد زیرا دچار اشکال خواهد شد ولی نسبت بقسمت اولی که نوشته شده تهیه پیشنهاد برای اصلاح و ترتیبات ادارات وزارت مالیه و فوائدها و تقلیل مخارج و حسن جریان در پیشرفت امور اقتصادی و مالی این اشکالی ندارد و بنده قبول میکنم.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - نظر بنده همان نظر آقای وزیر مالیه است در قسمت وزارت مالیه و فوائدها چند اشکالی نیست. حالا بطور میتوان نظریات خود شما در قسمت مالیه و فوائدها راجع باهوار اقتصادی بدولت پیشنهاد بکنند این يك مسئله است که عقیده بنده باید وقتی که ماده پنج رسیدیم در آنجا بحث و اصلاح کنیم ولی در قسمت نظارت و تقییش چون این قضیه را جزو وظائف خزانه دار معین کرده ایم و از تکالیف او تشخیص داده ایم دیگر ذکرش در این جا به عقیده بنده مورد لزومی ندارد زیرا ما فقط میخواهیم از معلومات علمی این شخص استفاده کنیم.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه این پیشنهاد آقایانیکه

مطالعه کنیم آنوقت يك پیشنهاد خوبی که مقصود آقایان را تأمین کند از آن میان انتخاب و قبول می کنیم.

آقا سید یعقوب - محاله استرداد میکنم میگذارم برای ماده پنج.

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا

(باین عبارت خوانده شد)

در ماده سوم فقره ۳ را بترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم.

اصلاح ترتیب ادارات مالیه و فوائدها و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی و نظارت و تقییش از عملیات مستشاران که در مالیه و فوائدها هستند.

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - توضیح بنده در اطراف تفسیر این ماده است. این مستخدمی که باین ترتیب عنوان میشود در واقع فقط برای امور مالیه نیست بلکه برای تمام کارهایی است که به ثروت و مالیه عمومی مملکتی مدخلیت دارد. پس بطوریکه ذکر شدن يك آدمی است که باید در ایجاد منابع ثروت و تقلیل مخارج مملکتی و ازدیاد ثروت کوشش کند. اگر چه آقای وزیر مالیه در ضمن توضیحاتی که دادند اسمی از فوائدها عامه نبردند ولی در این لایحه چیزی از این مسئله ذکر نشده و عنوانی ندارد. خوب است در اینجا اسم فوائدها عامه هم برده شود. زیرا کارهایی که با ایجاد منابع ثروت و ازدیاد عوائد مملکتی مربوط است بیشتر در فوائدها عامه است از قبیل استخراج معادن و کارهای عام المنفعه و غیره. مخصوصاً نظریاتی که دولت در آتیه دارد و در فوائدها عامه است از این جهت بنده معتقدم در لایحه تصریح شود که این شخص حق نظارت در امور فوائدها عامه و کارهای مستخدمین اروپائی که در فوائدها عامه هستند داشته باشد. از این جهت است این پیشنهاد را کردم

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشامزاده

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم باآخر فقره يك ماده سه این عبارت اضافه شود: (و تهیه پیشنهادات لازمه برای بکار افتادن منابع زرونی و استخراج معادن)

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده خودم تصدیق میکنم که عبارت ماده اول يك کلی است که تمام مسائل و جزئیات را محتوی و شامل است ولی از نقطه نظر اهمیت که استخراج معادن و بکار انداختن منابع زرونی در مملکت ما دارد از اینجهت بنده این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم با نظری که آقای وزیر مالیه دارند مخالفت نداشته باشد فقط برای تأیید و توضیح است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - گمان میکنم خود آقای احتشامزاده تصدیق بکنند که تکرار عبارت در خارج ایجاد نمیکنند اگر بنده يك چیزی را هم تکرار کنم گمان میکنم صرف تکرار فائده ندارد در جزو دوم نوشته: تهیه پیشنهاد برای ایجاد منابع عایدات. این عین مقصود است خوب حالا اگر این مقصود را دو مرتبه تکرار کنند آیا در مقصود تأثیری خواهد داشت؟! شما اینک نوشته شده دیگر بنده رای تکرارش فائده نمی بینم.

مخبر - بنده نمیدانم مقصود از استخراج معادن چیست اگر از نقطه نظر فنی مقصود است که کار این شخص نیست ولی اگر همان قسمت اولش را اختیار کنند بنده قبول می کنم. قسمت دومش دیگر لازم نیست. زیرا استخراج معادن جزو منابع ثروت محسوب است احتشامزاده - بنده هم قبول میکنم.

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن این

پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(دو سه نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دکتر سنگ

(بعبارت ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در فقره چهار عبارت (مربوط بصلاحت مشار الیه) حذف و بجای آن نوشته شود (مربوط بصلاحت امور مالی و اقتصادی مملکت) دکتر سنگ

رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - بنده دیدم این عبارت يك عبارت کشداری است و در آتیه ممکن است اسباب زحمت فراهم کند. این آقای عالی مقامی که تشریف خواهند آورد ممکن است يك روزی متمسک شوند که مثلاً فلان کار از نقطه نظر صلاحیت بمن متوجه نیست بنده مخصوصاً يك اشکالی بنظرم رسیده که در این باب میخواهم عرض کنم. آقایان که این لایحه را تنظیم میکنند خودشان لابد به این نکته بر خورده اند. مقصود بنده این اختلاف و عنوان نژادی و ملیت بود که چرا یکی از سویس و دیگری از آلمان باید باشد. اگر دلیل اساسی ذکر میکردند ممکن بود بنده هم مخالفت نکنم ولی این دلیلی که ایراد فرمودند که ما می خواهیم رقابت بیندازیم بین این دو نفر که از لحاظ رقابت و همکاری خوب کار کنند اینرا بنده خوب نمیدانم علی ای حال نظر باینکه این امر تولید اشکال خواهد کرد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که مسئله صلاحیت حذف شود و از نقطه نظر اصلاح امور مالی و اقتصادی مملکت نوشته شود و باین ترتیب هر خدمتی را که دولت بآنها رجوع میکند مجبورند قبول کنند.

مخبر - این عیبی ندارد آقای وزیر مالیه هم این پیشنهاد را قبول میکنند

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت ذیل را که در آخر

افزوده شود

۵ - نظر داشتن در کلیه جمع و خرج مملکتی که برطبق مقررات قانون عمل شود

(فیروز آبادی)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اولاً امید وارم يك روزی برسد که این مالیات ها که تقریباً پنج شش میلیون بیشتر نیست بکلی از این بودجه مملکتی حذف شود تا دیگر دچار این اشکالات نشویم. و بتوانیم در مقابل این مبلغ اقلاده مقابل از استخراج معادن و بکار انداختن منابع ثروت استفاده ببریم تا اینکه در چهار این مختصر مالیات نباشیم اما در مسئله مستخدمین چون ما این ها را که میآوریم غرضمان استفاده عمده است، از این جهت باید در جمع و خرج مملکت نظارت داشته باشند و به بینند که این پول ها واقعاً بمصرف حقیقی و بخرج واقعی خودش میرسد یا نمیرسد اگر خرج مطابق قانون است بدهند و اگر نیست ندهند، خوب در صورتیکه غرض و مرضی در کار نیست چرا آقایان وزراء قبول نمیکنند چون این يك چیز خوبی است که همه ما قبول داریم از این جهت بنده پیشنهاد کردم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر آقای فیروز آبادی در نظر داشته باشند بنده خودم این پیشنهاد را کردم نظر آقای وزیر مالیه را هم جلب کرده بودم چنانچه مذاکره شد در اینجا دو مسئله است، یکی عملی و یکی علمی مسئله عملی و اجرائیات را در واقع ما بخزانه دار سپردیم و عین این پیشنهاد در آن موضوع شده و مقصود شما را حاصل میکند، در باره این مستشار ما جنبه علمی قائل شده ایم، یعنی خواستیم از معلومات علمی این شخص استفاده کنیم از این جهت مقصود شما نامین است و عقیده دارم که پیشنهادتان را مسترد نفرمائید

فیروز آبادی - بنده مسترد میدارم بشرط آنکه در اینجا قید شود!

باین جهت بنده معتقد هستم که باین متخصص عالیه مقامی که میآوریم باید نایک حدودی اختیارات در قسمت عزل و نصب و ترفیع و انزال باو بدهیم. و یکی هم مسئله مراقبت است که در ضمن جمع آوری عوائد در کلیه مخارج مملکتی هم حتی حق تفتیش کامل داشته باشد. کرجه در ضمن لایحه همچو نوشته شده است که این اختیارات در حدود وظائف و تکالیف و برعهده خزانه دار است ولی مسئله سر این است که (چنانچه عرض کردم) این اختیارات حقاً باید بکسی داده شود که در رأس ادارات مالیه قرار میگیرد و اینکه نماینده محترم آقای یاسائی اظهار داشتند آن کسی که در رأس ادارات مالیه است باید مشغول و اوقاتش مصروف بکارهای مطالعاتی باشد و نسبتاً باید وقتش فارغ و از این گیر و دارها راحت باشد تا بتواند درست مطالعه کند و این اختیارات را باید بدیگری داد تا بتواند این کارها را بخوبی صورت بدهد بنده گمان میکنم این مسئله باین شکل نتیجه خوشی نخواهد داد و همچو خیالی می کنم بهمان کسی که مشغول مطالعه است اگر بخود او يك اختیارات داده شود که در امور مالیه و اقتصادی ما ناظر باشد بهتر نتیجه خواهیم گرفت. زیرا آن وقت مطالعات علمی خودش را بهتر میتواند تطبیق کند با احتیاجات و وضعیات مملکتی ما و بهتر مورد استفاده خواهد شد. و اما اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند ما سابق امتحان و تجربه کردیم و دیدیم خوب نتیجه نداد. بنده هم تصدیق میکنم که مستخدمین سابق مالی يك نواقصی داشته اند ولی باید دید که آن معایب راجع بچه بوده است. راجع بان نبود که ما يك اختیاراتی بر رئیس سابق کل مالیه داده بودیم بلکه بعقیده بنده این معایب که متوجه رئیس کل مالیه سابق بوده از دو نقطه نظر بوده است یکی باینکه حقیقتاً اختیارات آنها خیلی زیاد بود اگر واقعاً در يك جائی او میخواست از اختیارات خودش سوء استفاده کند میتواند و دولت و مجلس نمیتوانست جلو او را بگیرد. بنده آنچه که میدانم اینست که در

بعضی مواقع اگر وزیر مالیه وقت یا رئیس دولت وقت میدیدند که او از اختیارات خودش سوء استفاده میکند آنطور که لازم بود نمیتوانستند جلوگیری کنند (بکنفر از نمایندگان - نمیخواستند) و يك عیب دیگر بعقیده بنده این بود که برای تمام کارها ما رفتیم و از خارجه مستشار و متخصص آوردیم مثلاً برای امناء مالیه ریاست مالیه ایالات و ولایات هم از خارجه مستشار آوردیم و با این ترتیب بدیهی بود که آنها نسبت زیاد روی های همشهریهای خودشان يك تعصب های ملی بخرج میدادند و آنطوریکه لازم بود از زبانه روی های رفقای خودشان جلو گیری کنند نکردند و البته این برای مملکت مضر بود از این جهت در این لایحه جدید که برای متخصصین مالی بمجلس تقدیم شده این دو عیب را باید جلوگیری کرد ولی در عین حال بعقیده بنده باید يك اختیاراتی هم بانها داد تا بتوانند با موفقیت کار کنند و مملکت استفاده بدهند بنده باز هم عرض میکنم (تا آقای آقا سید یعقوب هم متوجه باشند و دیگر نفرمائید فلانکس لایحه را بخوانند و مطالعه نکرده) بهتر این است این اختیاراتی که برای خزانه دار در این جا معین کرده اند بکسی محول کنند که در رأس ادارات مالیه منصوب میشود و آنها هم مستشار است که ما میخواهیم از معلومات علمی او استفاده کنیم این عریض بنده بود دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - بنده بر خلاف نظریه آقای آقا سید یعقوب عرض میکنم همچو معلوم میشود که آقای احتشامزاده این لایحه را خیلی بدقت مطالعه کرده اند برای اینکه بقدری پیشنهاد تهیه کرده اند اگر بجای این همه پیشنهاد يك دفعه میفرستند در هیئت وزراء و در آنجا با افکار عالییه خودشان این لایحه را تنظیم میکردند بعقیده بنده خیلی بهتر بود. و ما هم در اینجا راحت میشدیم آقا اصراری دارند که به متخصص يك اختیارات

باید اختیار داد آقا این اختیارات داده شده منتهی بشخص دیگر خلاصه اینکه این لایحه طوری تنظیم شده که تمام ملاحظات در اطراف کار شده و از تمام مفاسد سابق هم جلوگیری میکند بهتر این است که آقا هم موافقت بفرمایند که این لایحه زودتر بگذرد و تمام شود و برویم پی کار خودمان .

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( دو سه نفر قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . آقای زوار پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود .  
جمعی از نمایندگان - صحیح است

( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )

## قانون

تمدید اختیارات آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس کل مالیه بمدت سه ماه

مصوب بیست و چهارم دیماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - مجلس شورای ملی از تاریخ ششم دیماه ۱۳۰۶ تا سه ماه دیگر مدلول قانون ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ را بموجب آن اختیارات مندرجه در قانون اسد ۱۳۰۱ آقای مهدیقلیخان هدایت رئیس الوزراء و گذار شده بود تمدید میکند

تبصره - دولت مکلف است قبل از انقضای مدت فوق استخدام خزانه دار را تمام کرده مشغول کار شود و پس از اشتغال خزانه داری اختیارات رئیس مالیه ملغی خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و چهارم دیماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید  
رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا